

لويزا مي الكوت

به نام خدا



زنان کوچک

... بن کامل -

www.ashrafpub.com
www.ashrafpub.com
www.ashrafpub.com

www.ashrafpub.com
www.ashrafpub.com
www.ashrafpub.com



- ۹ / درباره‌ی نویسنده
 ۱۱ / نمایش زائر
 ۳۵ / کریسمس مبارک
 ۵۷ / لارنس جوان
 ۷۹ / مسئولیت‌ها
 ۱۰۵ / همسایگی
 ۱۲۹ / بت قصر زیبایی‌ها را پیدا می‌کند
 ۱۴۳ / تحقیر شدن ایمی
 ۱۵۷ / جو به ملاقات شیطان می‌رود
 ۱۷۹ / مگ به مهمانی می‌رود
 ۲۰۹ / پیک ویک و صندوق پست
 ۲۲۵ / تجربه‌ها

- ۲۴۹ / اردوی لارنس
۲۹۱ / قصرهایی در آسمان
۳۱۱ / اسرار
۳۳۱ / تلگرام
۳۴۹ / نامه‌ها
۳۶۷ / وفادار کوچک
۳۸۳ / روزهای سخت
۳۹۹ / وصیت‌نامه‌ی ایمی
۴۱۷ / محرمانه
۴۳۱ / لاری شیطنت می‌کند و جو آستی می‌دهد
۴۵۵ / چمن‌زار زیبا
۴۶۹ / عمه مارچ مشکل را حل می‌کند

نمایش زائر

جو^۱ روی قالی دراز کشید و غرغر کنان گفت: «کریسمس بدون هدیه که فایده‌ای ندارد!»

مگ^۲ به لباس کهنه‌اش نگاهی کرد و آه کشید: «فقر بودن خیلی وحشتناکه!»

ایمی^۳ کوچولو آب دماغش را بالا کشید و اضافه کرد: «اصلاً انصاف نیست که بعضی دخترها کلی چیزهای قشنگ داشته باشند و بقیه هیچی نداشته باشند.»

بت^۴ که گوشه‌ای نشسته بود با رضایت گفت: «ولی ما پدر و مادر و هم‌دیگر را داریم.»

چهره‌ی هر چهار دختر جوان با شنیدن این جمله روشن شد اما

1. Jo

2. Meg

3. Amy

4. Beth